



علیرضا صدرا؛ به دنبال حکمت سیاسی اسلامی

پدیدآورنده (ها) : لکزایی، شریف

علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: پاییز و زمستان ۱۴۰۱ - شماره ۴۲ و ۴۳

صفحات : از ۱۸۳ تا ۱۹۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2020003>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- خبر و گزارش: سیزدهمین صدرا (استادان و متخصصان حکمت اسلامی تربیت فلسفی و فلسفه تربیت را در همایش سالانه صدرالماتلهین به بحث گذاشتند)
- خوانش سیاسی متون حکمت متعالیه؛ علیرضا صدرا
- شخصیت علیرضا صدرا به مثابه حکمت عملی
- نگاهی به روندهای سیاسی در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
- چارچوبی برای تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران
- اثبات وابستگی بقای بدن عنصری به روح بخاری از منظر حکمت اسلامی
- بایدها و نبایدهای ترمیدور نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به نظام پارلمانی
- فهم رابطه خدا با عالم از روی مثل در حکمت اسلامی با تأکید بر دیدگاه صدرا
- معنا، مبنا و پیشینه طبقه بندی علوم در تمدن اسلامی و ایده‌های برای دست یابی به طبقه بندی جدید علوم سیاسی
- بازگشت به اصل؛ درآمدی بر نگاه وحدتگرا به علوم از منظر حکمت اسلامی



علیرضا صدرا؛ به دنبال حکمت سیاسی اسلامی گفت و گو با دکتر شریف لکزایی

دکتر شریف لکزایی دانش آموخته و پژوهشگر علوم سیاسی اسلامی، از شاگردان و نزدیکان مرحوم استاد علیرضا صدرا است. شریف لکزایی در ۱۳۵۲ به دنیا آمد. دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش زابل گذراند. وی در مهرماه ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شد و هم‌زمان با اتمام مقطع دبیرستان، تحصیلات دانشگاهی را آغاز کرد. پس از گذراندن دوره کارشناسی علوم سیاسی در سال ۱۳۷۹ از رساله خود در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی با عنوان «رابطه فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه» در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم در سال ۱۳۸۱ دفاع کرد.

همچنین در سال ۱۳۹۱ از رساله دکتری خود با عنوان «نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمتألهین» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران دفاع کرد. وی با برخی مراکز علمی و پژوهشی همکاری داشته و در موضوعات دینی و سیاسی به پژوهش پرداخته است. کتاب‌های وی عبارت است از: آزادی و دانش؛ سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه (چهار جلد مجموعه مقالات و سه جلد نشست‌ها و گفتگوها)؛ آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی؛ توزیع و مهار قدرت در نظریه ولایت فقیه؛ بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه

تأثیرپذیری دکتر شریف لکزایی از مرحوم دکتر صدرا، تنها به مسائل علمی خلاصه نشده و در مسائل سلوکی و اخلاقی نیز از استاد خود، الگو پذیرفته و در این جهت از ایشان با عظمت و بلندی یاد می‌کنند. مرحوم صدرا افزون بر تعمق در آثار اندیشمندان و فیلسوفان مسلمان همچون فارابی، ابن‌سینا و ملاصدرا، همواره دغدغه نوآوری و فتح باب‌های جدیدی از علوم را داشته و به‌طور مشخص به دنبال تنقیح حکمت سیاسی اسلامی بوده است. شاگردپروری، مطالعه عمیق و اشراف به منابع و متون اسلامی از دیگر ویژگی‌های مرحوم صدرا است.

کاربردسازی مسائل بنیادین سیاسی، نظریه‌پردازی و تولید علم و حتی تلاش در جهت گفتمان‌سازی و نشر گسترده‌آرا و اندیشه‌های اسلام در حوزه مسائل سیاسی از جمله مباحثی است که دکتر شریف لکزایی در این مصاحبه به آن اشاره کرده و آن را در شمار خصوصیات بارز مرحوم صدرا دانسته است.

موضوعی که ان شاء الله خدمت شما خواهیم بود، پیرامون شخصیت و اندیشه استاد فقید، مرحوم دکتر علیرضا صدرا است. با توجه به جایگاه ایشان در علوم انسانی و در حوزه تخصصی خود یعنی علوم سیاسی، به عنوان سؤال اول در رابطه با نحوه آشنایی با دکتر صدرا توضیحاتی بفرمائید.

من نیز از جنابعالی و دوستان فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا تشکر می‌کنم که این وقت را در اختیار بنده قرار دادید. امیدوارم بحثی که انجام می‌گیرد مفید باشد و بتواند گوشه‌ای از فعالیت‌های جناب استاد صدرا را مطرح کند. من از دوره کارشناسی علوم سیاسی، یعنی از ۱۳۷۵ با دکتر صدرا آشنا شدم و چون آن‌جا تدریس داشتند، دروس دوره کارشناسی و درس اندیشه سیاسی غرب «الف» و «ب» و را با ایشان گذراندم.

کدام دانشگاه؟

دانشگاه باقرالعلوم (ع) که البته آن زمان با نام مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) شناخته می‌شد که بعداً به دانشگاه تغییر نام پیدا کرد. بعد هم کارشناسی ارشد را که در همین دانشگاه طی کردم در درس «اندیشه سیاسی در اسلام و ایران» ایشان استاد بنده بودند، برای مقطع ارشد نیز که معمولاً پایان‌نامه وجود دارد، در هر دو مقطع کارشناسی و ارشد ایشان استاد راهنمای بنده بودند و در دوره دکتری نیز که من در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران آن را گذراندم، ایشان داور بیرونی - خارج از پژوهشگاه - رساله بنده بودند.

ارتباطات علمی من با دکتر صدرا از دوره کارشناسی شروع شد؛ هم با دروسی که داشته‌ام و هم در کارورزی‌های پژوهشی که معمولاً در دانشگاه باقرالعلوم (ع) برگزار می‌شد. در درس «اندیشه سیاسی اسلام و ایران» دکتر صدرا استاد راهنمای دانشجویان بودند و مباحث توسط ایشان راهنمایی می‌شد. در آن زمان یک حلقه و گروهی وجود داشت که کارورزی آن، متشکل از جمعی از دانشجویان به راهنمایی و هدایت ایشان برگزار می‌شد و در این دوره‌ها و کارورزی‌ها بود که آشنایی مبسوط با ایشان اتفاق افتاد. متن‌های فارابی عمدتاً در آن جلسات بررسی و گفتگو شد.

این ارتباط علمی تاروهای پایانی حیات مادی استاد هم برقرار بود. بحث شاخصی که ارتباطی علمی و فکری فراوانی با ایشان داشتم، در موضوع فلسفه سیاسی بود که از همان ابتدا مباحث فارابی در کارورزی‌ها خوانش می‌شد و ما به صورت مبسوط و تفصیلی با فلسفه سیاسی اسلامی آشنا شدیم. بعد هم در لاقل یک دهه اخیر یا بیشتر یا کمتر، به‌ویژه پس از برگزاری همایش سیاست متعالیه که در بهمن ۱۳۸۷ برگزار شد، همکاری علمی ما در موضوع فلسفه سیاسی متعالیه، تداوم یافت و از حالت دانشجویی به‌رحال خارج شد. ما در پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی در گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه در نشست‌ها و جلسات مختلف از دکتر صدرا دعوت می‌کردیم که به در مباحث مختلف از جمله همین صورت‌بندی، تبیین و توضیح و خوانش مباحث حکمت متعالیه از منظر سیاسی در خدمتشان باشیم که تا همین اواخر هم ادامه داشت. یک جلد از این مباحث با عنوان خوانش سیاسی متون حکمت متعالیه از دکتر صدرا منتشر شده که به بخش‌هایی از مشهد پنجم شواهدالر بوبیه ملاصدرا و مقاله چهارم «رساله مبدا و معاد» ملاصدرا اشاره دارد. این خوانش در این کتاب صورت گرفته است.

افزون بر آنچه گفته شد، شرح منظومه‌ها هم حدود بیست جلسه در خدمت ایشان بودیم، هر ماه یا هر دو ماه یک‌بار جلسات خوانش متون بر اساس رساله شرح منظومه که مرحوم استاد مطهری تدوین کرده بودند تداوم داشت. از دوره کارشناسی نشست‌ها و گفتگوهای مختلفی که در حوزه مباحث فلسفه سیاسی با ایشان داشتیم، آغاز شد و بعد هم در دانشگاه تداوم داشت و سپس در پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ نیز این ارتباط و گفت‌وگوهای علمی تداوم پیدا کرد.

در طرح پژوهشی بنده که من چندین سال هست کار می‌کنم یعنی «حکمت سیاسی متعالیه» با ایشان نشست‌ها و گفت‌وگوهای مختلفی داشتیم. تاکنون در این کار از من دو کتاب کتاب فلسفه سیاسی صدرالماتلهین و حکمت سیاسی متعالیه به چاپ رسیده است.

در رابطه با نوع شخصیت علمی مرحوم دکتر صدرا با توجه به نوآوری‌هایی که



ایشان در عرصه سیاست داشتند که البته به بحث سیاست متعالیه یا خوانش متون در کتاب‌های ملاصدرا و کتاب‌های فارابی اشاره کردید، اکنون بیشتر درباره تحول یا نوآوری یا آن نگاه‌های درجه دو که ایشان با توجه به متون اسلامی به عرصه سیاست داشتند، توضیحاتی بفرمایید.

مرحوم دکتر صدرا در مباحث اخلاقی و رفتار اخلاقی با دیگران، ویژگی‌های بارزی داشتند. تواضع ایشان مثال‌زدنی بود؛ خوش‌اخلاقی ایشان زبانزد بود؛ احترام به دیگران در رفتار ایشان برجسته بود.

قبل از پاسخ به این سؤال، اگر مایل باشید به خصوصیات اخلاقی ایشان هم اشاره‌ای داشته باشم. مرحوم دکتر صدرا در مباحث اخلاقی و رفتار اخلاقی با دیگران، ویژگی‌های بارزی داشتند. تواضع ایشان مثال‌زدنی بود؛ خوش‌اخلاقی ایشان زبانزد بود؛ احترام به دیگران در رفتار ایشان برجسته بود. وقتی ما ایشان را دعوت می‌کردیم از همان ابتدا که وارد می‌شدند با آن دوستانی که چه در اطلاعات پژوهشگاه بودند و چه در مسیر رؤیت می‌شد، احوال‌پرسی صمیمانه داشتند. ایشان استادی متواضع و نه تنها برای ما که از سال هفتاد و پنج ارتباط داشتیم، بلکه برای دانشجویان دوره کارشناسی نیز همیشه در دسترس بودند. دانشجویی که امسال با ایشان کلاس داشت و آشنا شده بود، می‌توانست به خود اجازه دهد که با این استاد ارتباط برقرار کند، تماس برقرار کند، و در فضای علمی مشورت بگیرد. ایشان نیز وقتش را بی‌دریغ در اختیار مخاطب خود قرار می‌داد. این صفت اخلاقی ایشان بسیار برجسته بود. به تعبیر عوامانه خود را نمی‌گرفت و کلاس نمی‌گذاشت. دانشجو، استاد تازه‌کار و با سابقه برای ایشان در این مورد هیچ فرقی نداشت.

قابل توجه بود و چون یک دور نماینده مجلس بود و با زیر و بم کشورداری آشنا بود و چند سالی رئیس مؤسسه کار و تأمین اجتماعی وزارت کار بود و بیش از سه دهه استاد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی بود و با بسیاری از متون آشنایی و اشراف داشت و براساس همین آشنایی و اشراف اظهار نظر می‌کرد که این جنبه اخلاقی بسیار مهمی بود؛ از این‌رو در عمل نیز تجارب ارزشمندی داشت. در شمار استثنائات بود که استاد صدرا متنی را ندیده باشد. ایشان به دلیل سال‌ها سابقه تدریس، تقریباً نسبت به همه متون اصلی و کلاسیک و معاصر اندیشمندان و متفکران، اشراف داشت و بر اساس آن اظهار نظر می‌کرد.

استاد صدرا بسیار مثبت‌اندیش بود و ضمن اینکه آن کاستی‌ها را هم می‌دید و نیمه خالی لیوان را هم درک می‌نمود، اما نیمه پر لیوان را معمولاً برجسته می‌کرد و بر اساس آنها مباحث خود را ارائه می‌داد. ایشان به آینده بسیار امیدوار بود و برای دیگران امیدواری ایجاد می‌کرد و در دانشجویان خودش ایجاد انگیزه می‌کرد که چه کارهایی انجام دهند. ناامیدی در ایشان اساساً وجود نداشت. دکتر صدرا بسیار پرکار و با حوصله بود. خاطر هست می‌گفت یک صفحه از متن رساله اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی را من بارها (شاید سی مرتبه) مطالعه کردم تا متوجه شدم که خواجه چه می‌گوید. پرکاری و پرحوصله بودن ایشان در فهم اندیشه سیاسی اسلامی و اندیشمندان و متفکران مسلمان بسیار

در مورد سبک و سیاق کار علمی ایشان، نوآوری‌ها و دستاوردها بفرمایید.



استاد صدرا همان‌طور که در خصوصیات اخلاقی، روش اخلاقی و تواضع اخلاقی داشتند، در عرصه علمی نیز طبعی خاص داشتند که البته مبتنی بر تجارب علمی، تحصیلات، منش و انگیزه‌های وی بود. به دلیل سوابق تدریسی بالا در متون اندیشه سیاسی اسلام و اندیشه سیاسی غرب چه در گذشته و باستان و چه در دوره معاصر و حتی دوره میانه،



اشراف بسیار خوبی داشتند و به منابع نیز مسلط بودند و آن بخش از خلاقیتی که ایشان در ارائه داشت، به دلیل همین اشراف و تسلط به منابع بود، اما در نحوه ارائه و خوانش متون اندیشه سیاسی، واجد یک سبک منطقی و ریاضی خاص بود و همین نگاه نیز باعث شده بود که به صورت جامع به برخی از منابع و مباحث بپردازد که طبیعتاً من به عنوان دانشجوی علوم سیاسی که به آن مباحث اشاره می‌کردم، ممکن بود یک جنبه را طرح کنم، ولی همان متن را وقتی ایشان توضیح می‌داد و تفسیر می‌کرد و قرائت خودش را ارائه یک نگاه بسیار جامعی به بحث دیده می‌شد.

بارها من از ایشان شنیدم و در همین آثاری که تدوین شده، مکتوب است که در تبیین اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، وقتی من که دانشجوی علوم سیاسی هستم می‌خوانم، یک فهم خواهم داشت و کسی که علوم سیاسی نخوانده، فهم دیگری خواهد داشت. ایشان در این باره با ذکر مثالی می‌گفتند: فرض کنید ملاصدرا هیچ رساله سیاسی و بحث سیاسی نداشته باشد، ولی یک جمله مثلاً مطرح کرده و گفته «انسان مدنی بالطبع است». ما باید منظومه فکری این متفکر را براساس آن یک جمله بیان کنیم. وقتی کسی می‌گوید انسان مدنی بالطبع است، با آنچه مثلاً هابز گفته که انسان، گرگ انسان است، بسیار متفاوت است.

طبیعتاً دو نوع نظام سیاسی تأسیس می‌شود. یک نظام سیاسی که مردم باید همه اختیاراتشان را به حاکم واگذار کنند که امنیت آنها را تأمین کند، ولی اینجا وقتی می‌گوید انسان مدنی بالطبع است؛ یعنی انسان خودش باید برای تأمین امنیت خویش کار کند. این نظریه با نظریه‌های رقیب و متقابل، متفاوت است. هم انسان‌شناسی آن، هم نظریه دولت و هم مشروعیتش و قدرتش متفاوت است. همین گزاره می‌تواند در شناخت آن متفکر به ماکمک کند؛ بنابراین با این نگاه به گونه‌ای با منابع و متون اسلامی برخورد می‌شد که گویی ما آن را از زیر خروارها خاک بیرون کشیدیم و زنده کردیم. گنج‌های مدفون‌شده در دل زمین، در دل این کتابخانه‌ها و در دل این کتاب‌ها وجود دارد که ما اینها را باید برجسته، مطرح، تفسیر و قرائت کنیم تا بتوانیم روایت جدیدی از فلسفه سیاسی اسلامی ارائه کنیم که در گذشته و در نگاه اندیشمندان و متفکران ما وجود نداشته است. ایشان دو تا خاطره را نقل می‌کردند که یکی از آنها خاطره‌ای

بارها من از ایشان شنیدم و در همین آثاری که تدوین شده، مکتوب است که در تبیین اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، وقتی من که دانشجوی علوم سیاسی هستم می‌خوانم، یک فهم خواهم داشت و کسی که علوم سیاسی نخوانده، فهم دیگری خواهد داشت.

که در حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و در دانشکده‌های فلسفه ما تدریس می‌شود، چه انتظاری داریم؟ ایشان یک نظام سه مرحله‌ای تدوین کرده بودند و می‌گفتند ما باید براساس آن حرکت کنیم که این سطوح عبارت بودند از:

الف - سطح اجمالی

اولاً ما به یک سطح اجمالی نیاز داریم. در این سطح اجمالی، مباحث را بر اساس پدیده‌شناسی حکمی متعالی سیاسی طرح می‌کنیم. عنوان این می‌تواند سطح مبتدی، مختصر یا اجمالی باشد. مثلاً از رساله مبدأ و معاد آغاز می‌کنیم. در مقاله چهارم مباحث پدیدارشناسی حکمت سیاسی متعالی را توضیح می‌دهیم. البته ایشان دو تعبیر «پدیده‌شناسی حکمی متعالی سیاسی» و «پدیده‌شناسی حکمی سیاسی متعالی» را داشتند. توضیح این دو تعبیر را بعداً یادآوری کنید.

بله حتماً.



ب - سطح تفصیلی

در این سطح، مباحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی

از مرحوم علامه جعفری است که استاد دکتر صدرا بود و راهنمایی پایان‌نامه ارشد ایشان را بر عهده داشت و در رساله دکتری هم گویا نقشی داشتند که من خاطر نمی‌دانم. دکتر صدرا می‌گفت: من یک روز به استاد عرض کردم جناب استاد شما در بحث رابطه دین و سیاست دائماً به اندیشمندان غربی مثلاً راسل و دیگران ارجاع می‌دهید. چرا به ملاصدرا ارجاع نمی‌دهید؟ علامه گفتند: مگر ملاصدرا چنین بحثی دارد؟ تا من به ایشان عرض کردم در رساله شواهدالربوبیه فی المناهج السلوکیه این را تبیین کرده است، همان‌جا به سراغ کتابخانه خودشان رفتند و کتاب را برداشتند. برای دیدن تلقی ملاصدرا از رابطه دین و سیاست، کتاب را ورق زدند و بعد گفتند اشراق در مشهد پنجم، رابطه دین و شریعت و سیاست را مطرح می‌کند و همین‌طور که مطالعه می‌کردند برای ما نیز قرائت می‌کردند و دائم روی پای خود می‌زدند و می‌گفتند: عجب بسیار خوب فهمیده است. نکته‌ای که بعدش استاد جعفری فرمودند بسیار مهم است؛ ایشان فرمود: من در نجف بارها به توصیه شهید سید محمدباقر صدر این کتاب را تدریس کردم، ولی این نظام سیاسی و سیاست مورد ابتلای ما نبود. ما مسئول و پاسخگوی این نبودیم که در حوزه مثلاً مباحث فلسفه سیاسی، ارائه بحث داشته باشیم، ولی اکنون شماها دانشجوی علوم سیاسی هستید و این امور مورد ابتلای شماست و آن را خوب متوجه می‌شوید؛ بنابراین ممکن است یک متفکر حتی تقریظی هم زده باشد، ولی مسائل جامعه مورد ابتلای او نباشد و فارغ از اینها خوانشی از متن انجام داده است. این خوانش از متن می‌تواند بسیار متفاوت باشد.

من نکته دیگری در باب همین خوانش عرض می‌کنم. ما جلسات مختلفی داشتیم که بخش‌هایی از شواهدالربوبیه فی المناهج السلوکیه را خواندیم و رساله‌های دیگری را نیز با ایشان در مباحثه داشتیم. ایشان طرحی داشتند که چهار مرحله داشت. این چهار مرحله را من اجمالاً عرض کنم.

عنوان این طرح چه بود؟



عنوان آن «خوانش متون» و بحث ما فلسفه سیاسی بود. قطعاً خوانشی هم که خواهیم داشت خوانش سیاسی خواهد بود. ما مثلاً از شواهدالربوبیه فی المناهج السلوکیه

حکمی متعالی سیاسی شواهدالر بویه فی المناهج السلوکیه را بحث می‌کنیم که به آن سطح میانسی و میانی نیز گفته می‌شود.

ج - سطح مبسوط

در این سطح، مباحث مربوط به ساختار کلی حکمت متعالیه در اسفار اربعه باید مورد توجه قرار گیرد. این سفر چهارم یک سفر راهبردی تلقی می‌شود؛ مثلاً فرموده‌اند برای آن بخش مبتدی، شرح منظومه استاد مطهری خوب است و حلقه‌ات الاصول شهید صدر سه سطح دارد که سطح اول اجمالی، سطح دوم تفصیلی و سطح سوم مبسوط است. پس در اینجا که ایشان توضیح می‌دهند چگونه فلسفه سیاسی ملاصدرا را بررسی کنیم تا بتوانیم یک خوانش سیاسی از این متن داشته باشیم، در بحث اجمالی و مختصر، مبدأ و معاد می‌تواند معیار باشد و در سطح تفصیلی، میانی از شواهدالر بویه فی المناهج السلوکیه استخراج می‌شود و مبسوط نیز اسفار اربعه را مورد توجه قرار می‌دهد. این سطح یک سطح مشروع و عالی است.

یک بحث ابتکاری ایشان در خوانش متون را نیز می‌توانیم یاد کنیم. شما گزاره‌های موجود مانند انسان مدنی بالطبع را تجزیه می‌کنید. وقتی این را یک بار تجزیه می‌کنید، لاجرم به سه پرسش «چه چیزی، چرا و چگونه» باید پاسخ دهید. پس وقتی آن گزاره را تجزیه می‌کنیم، در واقع باید سه پرسش پاسخ دهیم: بالطبع به چه معناست؟ چرا اساساً انسان مدنی بالطبع است؟ چگونه انسان بالطبع مدنی است؟ این روش تجزیه است که توسط آن گزاره را تجزیه می‌کنیم. گزاره «انسان مدنی بالطبع است» سه عنصر دارد: انسان است، مدنی است و بالطبع مدنی است. یک بار هم باید آن را ترکیب کنیم. همان سه پرسش این جا نیز وجود دارد: انسان مدنی چیست؟ مدنی بالطبع چیست؟ انسان مدنی بالطبع چیست؟ و بعد آن چرایی‌ها و چگونگی‌ها هم اضافه می‌شود.

می‌فرمایید این تجزیه و ترکیب مفاهیم هم از نوآوری‌های مرحوم صدرا بوده



است؟

بله. کتاب خوانش سیاسی متون حکمت متعالیه چند

جلسه بر اساس همین پیش‌رفته و مباحث مهمی صورت گرفته که در تبیین متون فلسفی ما از منظر فلسفه سیاسی می‌تواند کارساز و مورد توجه باشد. این بخشی از مباحث است. نقادی و نظریه‌شناسی هم برای مباحث مهم است. وقتی با آثار فلسفی روبه‌رو می‌شویم، این نقادی نیز باید اتفاق بیفتد. بخش‌هایی که مادر خوانش‌هایی در باب آثار ملاصدرا داشتیم، مورد توجه بود.

یک بحث هم فراتر از آنچه در مورد جزئیات خوانش متون عرض کردم وجود دارد. آن هم بحث صورت‌بندی فلسفه سیاسی اسلامی است. یک صورت‌بندی از فلسفه اسلامی وجود دارد که به آن فلسفه اسلامی مشاء، فلسفه اسلامی اشراق و فلسفه اسلامی متعالیه گفته می‌شود. فلسفه‌های دیگری هم مانند فلسفه یمانی و فلسفه ایمانی هست که هر کدام منتسب به یکی از متفکران است، اما در جلسات و بحث‌هایی که داشتیم این پرسش مطرح بود که بسیاری از متفکران مادر این قالب قرار نمی‌گیرند، ولی مثلاً به مشایی معروفند. فیلسوفان مشایی ما چه کسانی هستند؟ فارابی و ابن‌سینا به‌عنوان متفکر محوری مشاء تا خواجه نصیرالدین طوسی.

بسیاری از مباحث را مثلاً در ابن‌سینا فقط مشائی تلقی نمی‌شود. این بحث را همیشه داشتیم. ایشان صورت‌بندی جدیدی در تبیین و توصیف دستگاه‌های فلسفی ما داشتند. فرمودند هر کدام از این متفکران در قالب یک دستگاه فکری قابل تحلیل هستند؛ از جمله در باب فارابی ما دستگاه فلسفی فارابی را می‌توانیم مستقل تلقی کنیم که عنوان آن هم «فلسفه فاضله فارابی» باشد و در مورد ابن‌سینا «فلسفه برهانی سینوی» و در مورد اشراق «فلسفه اشراقی سهروردی» باشد. در باب خواجه نصیر بر اساس آثار و نگاه‌های کلامی ایشان می‌توانیم بگوییم «فلسفه تقریبی خواجه نصیر». در مورد ملاصدرا هم «فلسفه متعالی صدرایی». ایشان تا دوره معاصر می‌آمد و علامه جعفری، علامه جوادی آملی و حضرت امام را هم در صورت‌بندی قرار می‌داد.

دستگاه‌هایی که به آن اشاره کردم، متفاوت از دیگری هستند، اما آنها در ادامه دیگری قرار می‌گیرد و از جهت اینکه اشتراکات فراوانی داشتند. همه اینها فلسفه اسلامی و فلسفه سیاسی اسلامی هستند، اما در ادامه هم قرار دارند.

استاد صدرا از اشراف و تسلط خود در تدوین و صورت‌بندی مباحث مختلف حوزه فلسفه سیاسی استفاده می‌کرد که این سبک، همان سبک منطقی و ریاضی بوده است. ایشان در دوران دبیرستان، در رشته ریاضی تحصیل کردند و در دانشکده نفت آبادان قبول شدند، ولی علاقه‌مند به مباحث علوم انسانی و علوم سیاسی بودند و وقتی در دانشگاه علامه پذیرفته می‌شوند، علوم سیاسی را آغاز می‌کنند و ذهن منطقی و برهانی و استدلالی و نگاه جامع ایشان بر اساس منابع، باعث شده بود مباحث را بسیار دقیق استنباط و اجتهاد کنند.

متعالیه سیاسی است و در آن، مفاهیم اصلی و کلیدی حکمت متعالیه توضیح داده شده و به‌نوعی توضیح و خوانش فلسفه سیاسی است. این اثر، گویای تسلط ایشان بر حکمت صدرایی است.

برای اشخاصی مانند ما که دانشجوی علوم سیاسی هستند، بحث ایده و ایده‌پردازی بسیار مهم است. این قدرت ایده و متون و غیره به رویه دکتر صدرا اشاره کردید. نسل امروز چطور می‌تواند از امثال دکتر صدرا در بحث ایده‌پردازی با توجه به گفتمان دولت اسلامی و تمدن اسلامی الگو بگیرد؟

یکی از ویژگی‌های مهم دکتر صدرا اشراف و تسلطشان بر منابع بود و این به علت بارها و بارها مطالعه ایشان بود. گاهی می‌دیدیم شیرازه کتابی که همراه ایشان بود در اثر کثرت مطالعه از هم گسسته شده بود و نشان می‌داد که بارها

نه اینکه سه متفکر را بگیریم که مشائی هستند و در توضیح برخی آثار آنها دچار مشکل شویم. هر کدام از اینها در قالب یک دستگاه فلسفی می‌گنجند و باید بررسی شوند.

ایشان مباحث فراوانی داشتند؛ مثلاً در کتاب نقش راهبردی دولت از دیدگاه امام از طرف ایشان چاپ شده است، بحث و نظریه دولت معمار را براساس دیدگاه‌های حضرت امام (ره) طرح کرده‌اند. می‌توان این نظریه را مطرح کرد که دولت نه هیچ‌کاره است و نه همه‌کاره. ما نیاز به یک دولت معمار داریم. این دولت معماری می‌کند. معمار نه مداخله می‌کند و نه هیچ‌کاره است. این هم کتاب مبسوطی است. نوآوری‌های مرحوم صدرا زیاد است. یکی از دوستان به نام دکتر یوسفی راد، پانزده نوآوری ایشان را استخراج کرده است. این به مباحث دیگر ایشان برای استخراج قابل تسری است و نیاز به گفتگوی جداگانه دارد.

استاد صدرا از اشراف و تسلط خود در تدوین و صورت‌بندی مباحث مختلف حوزه فلسفه سیاسی استفاده می‌کرد که این سبک، همان سبک منطقی و ریاضی بوده است. ایشان در دوران دبیرستان، در رشته ریاضی تحصیل کردند و در دانشکده نفت آبادان قبول شدند، ولی علاقه‌مند به مباحث علوم انسانی و علوم سیاسی بودند و وقتی در دانشگاه علامه پذیرفته می‌شوند، علوم سیاسی را آغاز می‌کنند و ذهن منطقی و برهانی و استدلالی و نگاه جامع ایشان بر اساس منابع، باعث شده بود مباحث را بسیار دقیق استنباط و اجتهاد کنند.

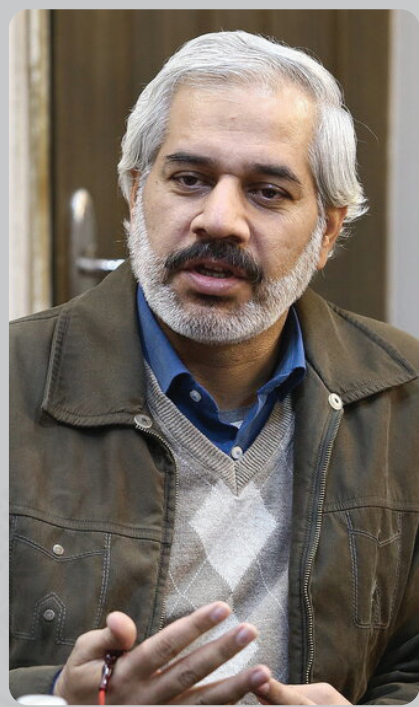
اگر اجتهاد را نه به معنی فقهی آن تلقی کنیم، ایشان مباحث فلسفی و سیاسی را اجتهاد می‌کنند. این می‌تواند برای ما ابواب جدیدی را باز کند. مجموعه نشست‌های ما درباره متون سیاسی حکمت متعالیه منتشر شده است. کتاب دیگر ایشان با عنوان مفهوم‌شناسی حکمت متعالیه سیاسی نیز ابتکاری است. حکمت متعالیه سیاسی با حکمت سیاسی متعالیه متفاوت تلقی می‌شود. ایشان معتقد بودند وقتی می‌گوییم حکمت متعالیه سیاسی معطوف به سیاست است؛ در واقع یعنی حکمت ملاحظه‌ملاصدرا معطوف به سیاست است، ولی وقتی حکمت امام خمینی را ملاحظه می‌کنیم، حکمت امام خمینی می‌شود حکمت سیاسی متعالیه، این سیاست معطوف به متعالیه است. این کتاب در واقع جلد دوم کارهای دکتر صدرا با عنوان مفهوم‌شناسی حکمت

ندارند. در مورد ملاصدرا می‌توان منظومه سیاسی وی را از گزاره «انسان مدنی بالطبع است» استخراج کرد. نگاهش به انسان، جامعه و معرفت‌شناسی را می‌توان استخراج کرد. ایشان همین نگاه را نیز درباره هابز داشتند. اگر هابز کتاب لویاتان را نمی‌نوشت، شما می‌توانستید از «گزاره انسان گرگ انسان است» نگاهش را به انسان و سیاست استخراج کنید.

در تفسیر و قرائت ما از یک متفکر امتناعی وجود ندارد، اما بر اساس منطق خودش و استدلالی که صورت می‌گیرد، باید باشد؛ بنابراین به‌نظرم این یک نکته بسیار مؤثر و مهم است؛ چون ایشان دائم در حال تفکر بود و وقتی با ایشان گفتگو می‌کردید، بسیار حضور ذهن خوبی نسبت به مباحث داشتند و نشان می‌داد که پس از ساعت‌ها تفکر و تأمل این نگاه را مطرح می‌کنند.

جالب است که اشاره کنم در جلسه‌ای در تهران از آن زمان که ایشان نماینده مجلس بودند، در اوایل دهه هفتاد، مکانی به‌صورت کانکس تعبیه کرده بودند که آخر هفته‌ها می‌رفتند و راجع به مباحث در خلوت تفکر می‌کردند. وقتی مطلبی مطرح می‌کردند، نشان می‌داد که ساعت‌ها تفکر و تأمل پشت آن است. در باب یک صفحه از متن اخلاقی ناصری فرمودند بیش از سی بار آن متن را مطالعه کرده‌ام. این می‌تواند یک الگو باشد. الگویی که صرفاً مطالعه نمی‌کند که لذت ببرد و دانا شود، بلکه برای اینکه مشکلی از جامعه برطرف کند، تفکر و تأمل می‌کند. آشنایی او با منابع برای دانشجوی علوم سیاسی می‌تواند الگو باشد. وقتی درباره فلسفه سیاسی اسلام نظری می‌دهد، منابع را مطالعه کرده باشد.

توجه به سیر و ساختار فلسفه‌ی سیاسی و اندیشه سیاسی اسلامی در تمدن اسلامی را به صورتی که متعالی شود، به‌نحوی در ارتباط امتداد همدیگر می‌دانستند؛ یعنی در هر دوره‌ای بازخوانی می‌شود و این بازخوانی به تعالی آن می‌انجامد. نمونه‌ی اعلامی آن در دوره معاصر علامه مطهری، علامه طباطبایی، امام خمینی، علامه جوادی آملی و علامه مصباح یزدی هستند. آنها سیر ساختار فلسفه سیاسی اسلامی را پیش برده‌اند. امتداد اجتماعی و سیاسی این‌ها روز به روز برجسته‌تر می‌شود که می‌تواند بخش‌های زیادی از مشکلات ما را حل کند.



و بارها خوانده شده‌است و با قلم‌های متفاوتی روی متن کار شده بود و هر دفعه مطالعه کرده بود با یک قلم نکاتی در حاشیه یادداشت کرده بود.

در یک نگاه کلی در موضوع فلسفه سیاسی اسلامی نقش مؤثر و مهمی داشتند. آنچه به‌نظر می‌رسد به ما کمک می‌کند که چنین مسیری را طی کنیم، آشنایی عمیق ایشان با مباحث فلسفه سیاسی اسلامی و در کنار آن، مقایسه این فلسفه با فلسفه غرب از یونان باستان تا اکنون بود.

درواقع این رویکرد تطبیقی را در آثار



ایشان می‌بینیم؟

بله. جابه‌جا ایشان در حال تطبیق هستند؛ مثلاً بحثی که عمدتاً داشتیم و انرژی ما را می‌گیرد، این است که شما مثلاً راجع به کانت فلسفه سیاسی بنویسید، پذیرفته می‌شود. در صورتی که کانت رساله سیاسی ندارد، ولی وقتی که راجع به ملاصدرا می‌خواهید فلسفه سیاسی بنویسید، با انکار از سوی صاحب‌نظران مواجه می‌شوید که اینها فلسفه سیاسی

تأملاتی که ایشان داشتند و همه آنچه دارند در حوزه کلام دانش سیاسی و در حوزه خاص فلسفه سیاسی اسلام مطرح می‌کنند، به بسط و رونق علوم انسانی اسلامی ما می‌انجامد. همه این مباحث به ما کمک می‌کند.

ایشان، چه کاری باید انجام دهیم؟ سه کار باید انجام بگیرد تا به نقطه مطلوب برسیم:

الف- مرحله اول مرحله تولید محتوا است.

مباحثی که راجع به فلسفه و دانش سیاسی از منظر متون اسلامی و آثار متفکران داریم را باید طرح کنیم و محتوا تولید کنیم. ایشان مصداقی ذکر می‌کردند که در کتاب خوانش متون سیاسی حکمت متعالیه آمده است. فرمودند شما درباره حکمت سیاسی متعالیه در همایش اول سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه که در بهمن ۱۳۸۷ برگزار شد، تولید محتوا را انجام دادید. مرحله دوم این است که اینها تبدیل به نظریه شود. باید بر اساس آن محتوایی که فراهم شده، اقتباس و تجزیه و ترکیب شود و نظریه تولید شود.

در همایش دوم حکمت سیاسی متعالیه که ما سال قبل برگزار کردیم، تأکیدمان روی این بحث بود که به نظریه دولت متعالیه یا حکمت در دولت متعالیه برسیم. بر اساس بحث‌ها و پیش‌نهی‌ها و مقالاتی که نوشته شده است، ان‌شاءالله در کار فشرده‌ای به این بحث خواهیم پرداخت؛ بنابراین، مرحله دوم این است که نظریه‌های متناسب با نیاز جامعه را تولید کنیم. ما نیاز به نظریه دولت داریم که باید

البته مطلبی هم هست که باید اشاره کنیم. در گفتگوی شفاهی که امسال در ماه مبارک رمضان با هم داشتیم، ایشان توصیه‌ای به بنده داشت که مراتبی بودن پدیده‌ها که در حکمت متعالیه مطرح می‌شود، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دستاورد ملاصدرا است. ایشان معتقد بود اصالت وجود، حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول و غیره در مقایسه با مراتبی بودن پدیده‌ها در رتبه دوم قرار می‌گیرند. در پاسخ به سه پرسش باید به این مراتبی بودن پدیده‌ها بپردازیم. پرسش از چیستی و چرایی و چگونگی.

ملاصدرا در رساله شواهدالر بویه، ۱۸۸ ابتکار و نوآوری خود را مطرح کرده است. این نوآوری‌ها در شمار بحث‌هایش هستند. دکتر صدرا می‌گوید بر اساس فهم خودم باید نوآوری صدرا را این مراتبی بودن پدیده‌ها بدانیم. این می‌تواند نگاه جدیدی به ما بدهد. پدیده‌ها را باید سه وجهی نگاه کنیم و از یک وجهی نگاه کردن آنها پرهیز کنیم. توجه و تأمل در باب سیر و ساختار فلسفه و اندیشه سیاسی و تمدن اسلامی هم هست که اینها در امتداد هم بوده‌اند. در دستگاه‌های مختلفی می‌توانیم از آنها به عنوان صورت‌بندی جدید یاد کنیم. همه اینها می‌تواند به رشد و رونق بیشتر مباحث فلسفه سیاسی اسلامی کمک کند.

آخرین سؤالم درباره جایگاه نظرات مرحوم صدرا در حرکت علوم انسانی اسلامی است که به برکت انقلاب اسلامی این حرکت، حرکت پرشتابی شده است. می‌خواهیم ببینیم مباحث مرحوم دکتر صدرا به‌عنوان یک نظریه‌پرداز چه نقشی در این سرعت بخشی داشته است؟

همان‌طور که عرض کردم تأملاتی که ایشان داشتند و همه آنچه دارند در حوزه کلام دانش سیاسی و در حوزه خاص فلسفه سیاسی اسلام مطرح می‌کنند، به بسط و رونق علوم انسانی اسلامی ما می‌انجامد. همه این مباحث به ما کمک می‌کند. مجموعه آثاری که از ایشان تاکنون منتشر شده است، همین بخش خاص را مطرح می‌کند و مورد توجه قرار می‌دهد. این به‌صورت بسیار کلان و کلی عرض شد. سه بحث را براساس مباحث خود استاد خدمتتان عرض می‌کنم. اگر به‌نظر ایشان ما به یک نقطه مطلوب برسیم، گذشته از آن خوانش متون و سیر ساختار و سطوح مدنظر

داشته‌اند، اخذ شود. یک بحث که بنده علاقمند بودم با کمک ایشان تدوین کنم، مکتب فلسفی یا سیاسی باقرالعلوم بود. ایشان در شمار مؤسسان و بنیان‌گذاران دانشگاه باقرالعلوم بودند. در زمانی که هنوز هیچ مجوزی صادر نشده بود، ایشان به‌همراه اساتید و طلاب تشریف می‌آوردند و علوم سیاسی تدریس می‌کردند و بعدها دانشگاه شد. از زمانی که خاطریم هست، ایشان تعبیر مکتب سیاسی باقرالعلوم یا مکتب باقرالعلوم را داشتند. آنچه اتفاق افتاده است را اکنون می‌توانیم «مکتب سیاسی باقرالعلوم» عنوان‌گذاری کنیم؛ خصوصاً در حوزه کاری ایشان می‌توانیم از تعبیر «مکتب سیاسی باقرالعلوم» استفاده کنیم. من چند بار با ایشان مستندسازی و مکتوب کردن خاطرات و نحوه شکل‌گیری دانشگاه باقرالعلوم و آنچه اتفاق افتاد را مطرح کردم، اما به دلایلی موفق نشدیم. ایشان استتکاف نکردند، ولی ما دیر به دیر این فکر افتادیم و ایشان را زود از دست دادیم. امیدوارم دوستانی که پای کار هستند بتوانند این بحث‌ها و خاطرات را با عنوان «مکتب سیاسی باقرالعلوم علیه‌السلام» مستندسازی و مکتوب کنند که آقای دکتر صدرا در کلامشان به‌کار می‌بردند.

ایشان معمولاً دوستان را برای پژوهش در باب تراث اسلامی تشویق می‌کردند. حضور ایشان برای بیش از سه دهه در قم نقش بسیار مهمی در فلسفه سیاسی و دانش سیاسی اسلامی در قم داشت. آقای دکتر صدرا نه تنها در دانشگاه باقرالعلوم نقش داشتند که در سایر مراکز علمی هم که کار فلسفه سیاسی شده نقش مهم و کلیدی داشتند. ایشان با مؤسسه امام خمینی نیز همکاری داشتند که در نتیجه این همکاری، اصطلاح‌نامه فلسفه‌نامه سیاسی به چاپ رسید و بحث‌هایی در دایرةالمعارف فلسفه سیاسی که دوستان دارند، کار می‌کنند. دانشنامه حکمت سیاسی اسلامی که در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه در در هفت جلد در تهران منتشر شده است، از دیگر نتایج همکاری‌های استاد صدرا با مراکز پژوهشی بود. ایشان در شورای علمی و نگارش مقالات، نقش مؤثر داشته‌اند. امیدواریم این قبیل مباحث و گفت‌وگوها باعث شادی روح ایشان باشد. از خداوند متعالی می‌خواهم جناب استاد دکتر صدرا با اولیاءالله و انبیا (علیهم‌السلام) محشور باشند. □

تولید شود. محتوا را تولید کرده‌ایم، اما به نظریه عدالت نیاز داریم. باید براساس آنچه تولید شده نظریه عدالت، آزادی، مشروعیت، قدرت و سایر نظریه‌هایی که نیاز است را تولید کنیم.

ب- مرحله دوم تولید این نظریه‌هاست.

ج- مرحله سومی که باید در این دانش‌ها از منظر اسلامی صورت بگیرد، مرحله‌ای است که باید اینها فرآوری و اطلاع‌رسانی و کاربردی گردد و در جامعه ترویج شود. ممکن است شما محتوا و نظر تولید کرده باشید و اینها را در کتاب‌هایی به چاپ رسانده باشید و در گوشه کتابخانه‌ها و مراکز نگهداری کنید، ولی کسی از اینها اطلاعی ندارد.

اصطلاحاً باید تبدیل به گفت‌مان شود.



براساس این محتوایی که تولید شده باید گفت‌مان‌سازی هم صورت گیرد. این ترویج مبتنی بر این است که اینها در مرحله اول نیز به محک تجربه گذاشته شود؛ مثلاً اگر نظریه عدالت را در مسائل جامعه بکار ببریم کجا می‌تواند مفید و مؤثر باشد و خلأیی از بحث عدالت در جامعه ما را حل کند؛ بنابراین، این بحث سوم می‌تواند کامل کند. در این سه مرحله‌ای که من عرض کردم اگر بخواهیم دیدگاه دکتر صدرا را مطرح کنیم، ما در مرحله دوم هستیم؛ یعنی در حال تولید نظریه هستیم. محتوای خوب و قابل توجه تولید شده است، ولی نظریه‌ها نیز باید تولید و در مرحله بعدی کاربردی‌سازی شوند.

جناب آقای دکتر از وقتی که اختصاص



دادید، بسیار متشکریم. اگر نکته یا

بحثی مانده است، در خدمت شما هستیم.

به‌عنوان نکته پایانی، نزدیک به سه دهه با آقای دکتر صدرا آشنا بودم. شاید اگر آشنایی با ایشان نبود، من بحث‌های فلسفه سیاسی را پیگیری نمی‌کردم. هرچند ورود خود من به مباحث فلسفه سیاسی در یک فضای منطقی خاصی به‌وجود آمده است، ولی طبیعتاً انگیزه و مشوق اصلی من آقای دکتر صدرا بودند، به‌ویژه در بحث فلسفه سیاسی متعالیه که نشست‌های متعددی با ایشان داشتیم.

خوب است خاطراتی که دانشجویان و اساتید با ایشان